

دارو و درمان و بهداشت باید رایگان شود

منیژه گازرانی

هفدهم اسفند ماه هشتاد و شش

خیابان شلوغ و پر رفت و آمد بود. مردم بی اعتنا به یکدیگر هر کس به دنبال کار و زندگی خودش می دوید. نمی دانم شاید عده ای هم دنبال خرید عید بودند. ساعت کار تمام شده بود و من هم مثل مرغ از بند رسته با شتاب به سوی خانه می رفتم تا زودتر شامی آماده کنم و به کارهای خانه و بچه برسیم. در این حین زنی جلو راهم را گرفت.

- ببخشید، پایین تر داروخانه نیست؟

- چرا هست. دوتا هم بالا تر هست.

- آن دوتا هر دو را سر زدم. یکی نداشت، یکی هم گفت ۲۷ هزار تومان.

- ببینم، چه دارویی است؟

کاغذی لوله کرده در دست داشت. بسیار جوان بود. شاید ۱۹-۲۰ سال بیشتر نداشت. نسخه پزشک را نگاه کردم، یک قلم دارو بیشتر نبود. ۲۷ هزار تومان؟!!

- مگر دفترچه بیمه نداری؟ بیمه نیستی؟

- نه بیمه نیستیم. شوهرم کارگر است. روزی ۵-۶ تومان دارد، اما بیمه نیست.

- هیچکس را نداری بیمه باشد، از دفترچه بیمه اش استفاده کنی؟

- اینجا هیچکس را ندارم. افغانی ام. بچه ام ۶ شب است بیمارستان خوابیده. ریه هایش چرک کرده. خرجش بالای یک میلیون می شود. از کجا بیاورم. شوهرم پریروز ده تومان داده و رفته. خودم این چند روز هیچی نخورده ام. شیر ندارم به بچه ام بدهم. دکتر گفت باید به بچه ات شیر بدهی. خودت بخور که شیر داشته باشی وگرنه باید شیر خشک به بچه ات بدهی. اگر این دارو را به بچه ام ندهند، می میرد؟

- خدا نکند. بچه ات چند وقتش است؟

- ۲۳ روزش است. چون افغانی ام بچه ام باید بمیرد؟

- نه، حتما خوب می شود. من هم بچه ام دیابت دارد، مرض قند. از ۱۰ سالگی. آلان ۷ سال است. من هم بیمه نیستیم. نوار آزمایش قند خون می خرم بسته ای ۲۶ هزار تومان. ماهی ۳ بسته باید بخرم. انسولین و سوزن باید بخرم، ۹ هزار تومان پول ویزیت دکتر باید بدهم. هزار بدبختی دیگر. ۸ سال است توی شرکتی کار می کنم. ۱۸ نفریم، هیچکدامان بیمه نیستیم. کارفرما می گوید می خواهی کار کن، نمی خواهی بفرما بیرون. کارگر بیکارریخته التماس می کند برای کار. من که افغانی نیستم. ایرانی ام. ایرانی و افغانی ندارد. هرانسانی باید تامین اجتماعی و درمانی داشته باشد، از زن و مرد، بچه و پیر و جوان، ایرانی و افغانی. تازه این بیمه ای هم که این ها می کنند فکرکردی بیمه است؟ به قدر دوزار نمی ارزد. دارو نصفش آزاد است، بیمه نمی دهد. دکتر متخصص و بیمارستان درست و حسابی هم بیمه

نیست. این همه ماهانه حق بیمه می دهی ، برای بازنشستگی. کارگر بدبخت کجا به بازنشستگی می رسد. اگر هم برسد بعد از ۶۰ سال کار کردن چندرغاز می خواهند بدهند که به هیچ کجا نمی رسد. سازمان تامین اجتماعی خودش بزرگ ترین سرمایه دار است. تازه همین بیمه نیم بند هم تمام شد. کی دیگر کارگر را بیمه می کند. آنجا هم که کارفرما ملزم می شود کارگر را به همین صورت نیم بند بیمه کند بعضی وقت ها کارگر برای آن که از همان چندرغاز دستمزدش حق بیمه هم کم نشود خودش به کارفرما می گوید او را بیمه نکند... پرید وسط حرفم و گفتم:

- حالا من چه کار کنم؟ اگر این دارو به بچه ام نرسد، می میرد؟

به چهره جوان و پریشان نگاه کردم. گفتم:

- با دکتر صحبت کن. شاید دارو را برایت توی دفتر یکی دیگر بنویسد.

- امروز صبح یکی دیگر مثل من بود. خیلی التماسش کرد، گفتم نمی توانم بنویسم. برای من مسئولیت دارد.

نمی دانستم چه بگویم. رسیده بودیم دم در بیمارستان نگران و پریشان و دست خالی رفت تو تا سینه بی شیرش را دهان بچه اش بگذار. لحظه ای ایستادم. من هم دست خالی بودم. درست مثل او. چه کار می توانستم برای او بکنم. برای آن کودک ۲۳ روزه غریب. برای مادر جوان و درمانده اش. برای پدر کارگرش که همین الان سر کار است و به بچه مریض ۲۳ روزه اش فکر می کند. فکر می کند از کجا یک میلیون تومان پول بیمارستان بچه اش را تهیه کند. چه کار می توانستم بکنم برای خودم ، برای بچه ام؟

طبق آمار های رسمی ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کارخانه و کارگاه در کشور وجود دارد. از این میان ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار کارگاه زیر ۱۰ نفر کارگر دارند که هیچیک از آنها بیمه نیستند. تنها در اطراف تهران ۱۲۴ هزار کارگاه زیر ۱۰ نفر وجود دارد. البته آمارهای رسمی شامل کارگران فصلی، کارگران کشاورزی، کارگران خدماتی، کارگرانی که در خانه های خود قطعه کاری می کنند و کارگرانی که در زیرزمین ها و کارگاه های بی نام و نشان کاری کنند، نمی شود. بسیاری از کارگرانی که در کارخانه های بزرگ و شناخته شده از طریق پیمان کاری ها کار می کنند نیز بیمه نیستند و هر روز کارگران رسمی با اخراج، بازخریدی اجباری یا بازنشستگی از گردونه کار خارج و این کارگران با کمترین حقوق و مزایا جایگزین آنها می شوند.

دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم دنیایی وارونه است. در این دنیا، آن که کار و تولید می کند خود از محصول این کار و تولید بی بهره است اما آن که کار و تولید نمی کند فقط و فقط به دلیل مالکیت بر وسایل تولید، محصول کار و تولید اکثریت عظیم انسان ها را به تصاحب خود در می آورد. این دنیای وارونه، دنیای سرمایه داری است. اما در جامعه ایران، وارونگی دنیای سرمایه داری به حد اعلائی آن رسیده است، به طوری که همان حد از حق و حقوقی هم که کارگران سایر کشورها به نظلم سرمایه داری تحمیل کرده اند در ایران وجود ندارد. در اینجا سرمایه داری در کمال بیرحمی و شقاوت حتی سهم کودک ۲۳ روزه بیمار را هم می چابد و به جیب می زند. اینجا توحش سرمایه داری به اوج خود رسیده است. بدون شک، کارگران ایران باید دنیای سراسر توحش و وارونه سرمایه داری ایران را که روی سر ایستاده است روی پا برگردانند، یعنی وسایل تولید را به مالکیت تمام جامعه درآورند و کار برای امرار معاش یعنی کارمزدی را از میان بردارند. اما گام اول برای این کار آن است که توحش بی حد و مرز آن را مهار کنند. و این کار تنها یک راه دارد، و آن مبارزه متحد و متشکل کارگران برای تحقق مطالبات روزمره خود از محل ثروتی

است که خود تولید کرده اند. کارگران باید خواسته های خود را از محل کار و تولیدی که انجام داده اند مطالبه کنند. اگر تمام بیمارستان ها، تمام درمانگاه ها و به طور کلی تمام مراکز درمانی محصول کار و تولید گذشته ما کارگران است، و اگر تمام داروها محصول کار و تولید کنونی ما کارگران است، در این صورت چرا نباید با صدای بلند و خطاب به دولت وکل جامعه بپرسیم که: چرا آن کودک ۲۳ روزه افغانی، فرزند من، و تمام کودکان بیمار کارگران نباید از این ثروت عظیم جامعه که طبقه کارگر تولید کرده است بهره مند شوند؟ چرا کارگر یا کارگرانی که این ثروت عظیم را تولید کرده اند برای تهیه شیرخشک و داروی کودک بیمارشان باید این گونه درمانده و پریشان این در و آن در بزنند؟ این چه نظام نکبت بار و بشرستیزی است که در حالی که سرمایه داران را روز به روز چاق تر و ثروتمندتر می کند حتی سهم کودک ۲۳ روزه بیمار را هم می خورد و به او نمی دهد؟ چرا دولت به جای اختصاص بخش مهمی از این ثروت به تولید تا نک و توپ و اسلحه و موشک، داروی رایگان در اختیار کودکان بیمار قرار نمی دهد؟ چرا دولت به جای اختصاص سهم بزرگی از ثروت جامعه به سرکوب کارگران و ساختن زندان برای زندانی کردن کارگران معترض و مبارز، کودکان بیمار را به صورت رایگان درمان نمی کند؟ در یک کلام، چرا دولت به اتکای ثروت عظیمی که کارگران تولید کرده اند دارو و درمان و بهداشت را رایگان نمی کند؟ البته، روشن است که دولت سرمایه داری تا زمانی که با نیروی متحد و متشکل کارگران رو به رو نشود هیچگاه این کار را نمی کند. اما برای آن که ما به یک نیروی متحد و متشکل علیه سرمایه داری تبدیل شویم ابتدا باید تلاش کنیم که این خواست را به خواست توده وسیعی از کارگران تبدیل کنیم.

دولت هر سال بخش عظیم کار و تولید انجام شده توسط کارگران را به بودجه سال بعد برای اداره نیازهای دولت و جامعه اختصاص می دهد. ماکارگران باید از دولت بخواهیم که از محل همین بودجه، دارو و درمان و بهداشت را رایگان کند. این حق طبیعی و مسلم ما است. آن را از خود دریغ نکنیم.

منیژه گازرانی

۸۶/۱۲/۱۵

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)